

مقاله پژوهشی

تحلیل ریسک سواد فرهنگی در حوزه سرمایه معنوی چشم انداز روستایی (مورد مطالعه: روستائیان استان لرستان)

مرتضی توکلی^۱ و علی خدادادی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۲۶ مرداد ۱۴۰۰ تاریخ پذیرش: ۲۶ دی ۱۴۰۰

چکیده

اخیراً توجه خاصی به نقش فرهنگ در توسعه پایدار جامعه معطوف شده است. افراد و جوامع دارای ارزش‌ها، معانی، آداب و رسوم و سیستم‌های دانش خاص خود هستند. با این حال، از چنین ویژگی‌هایی غالباً در برنامه‌ریزی توسعه چشم پوشی شده است. هدف از این پژوهش تحلیل ریسک سواد فرهنگی مناطق روستایی در سرمایه معنوی چشم‌انداز روستایی استان لرستان است. روش تحقیق این مقاله به صورت پیمایشی، و در چارچوب مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از ابزار علت و معلولی دیماتل استفاده شده. نتایج نشان داد در بین عوامل تأثیرگذار بر سواد فرهنگی روستاها: عوامل باورهای جبر مسلکی و قوم مداری به ترتیب با ضریب وزنی ۱/۲۹۶ و ۰/۸۴۸ به عنوان عوامل اثرگذار، و از سویی عوامل درک فضایی و دانش، بینش و مهارت به ترتیب با ضریب وزنی ۱/۰۷۷- و ۱/۰۷۷- به عنوان اثرپذیرترین معیارها در بین شاخص‌های مؤثر بر ریسک سواد فرهنگی در بین روستائیان بوده است. بر این اساس، عوامل باورهای جبر مسلکی و قوم مداری بعنوان عوامل علت و عوامل درک فضایی و دانش، بینش و مهارت، درک مکانی و ارزش‌ها و هنجارها تحت نام عوامل معلول در حوزه سرمایه معنوی چشم‌انداز روستایی منطقه مورد مطالعه شناسایی و مشخص گردیدند. لذا پیشنهاداتی چون حذف باورهای ناسازگار و پایدار شده در روستاها؛ برخورد ریشه‌ای با افکار و احساسات غیر منطقی روستائیان و غیره ارائه گردیده است.

کلمات کلیدی: عوامل علت و معلول، سواد فرهنگی، سرمایه معنوی، چشم‌انداز روستایی، لرستان.

۱ - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
(* - نویسنده مسئول: Ali_khodadadi@modares.ac.ir)

مقدمه

از طریق توانایی سواد فرهنگی، جامعه فرهنگ خود را درک می‌کند و مایل به توسعه و حفظ آن می‌شود. دارای معنایی به عنوان شبکه اطلاعاتی است که در اختیار همه افراد ذیصلاح است و به توانایی باز بودن در یادگیری فرهنگ دیگر و اشتراک گذاری با فرهنگ خود، تغییر دیدگاه شخصی، تبدیل می‌شود. بین فرهنگ‌ها به طور مؤثر ارتباط برقرار می‌کند و به عنوان عامل تغییر فرهنگ عمل می‌کند (تهانی و شوفوان، ۲۰۲۲). بنابراین، سواد فرهنگی دارای دو رکن اساسی «درک» و «مشارکت» است (نگازیل نگما و لانگ، ۲۰۲۰). از طرفی هر جامعه‌ای به منظور بقا و استحکام خود هنجارهایی برای پیروی افراد دارد. بی شک بخش عمده و نیز بسیار مهمی از این هنجارها فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی است که در واقع نظامی برای بنا و قوام هویت جوامع محسوب می‌شوند؛ به ویژه فرهنگ های محلی که برای ساکنان جوامع روستایی احساس هویت می‌آفریند (برنان، ۲۰۰۵). و نمادی از غنای معنوی و اصالت این جوامع به حساب می‌آید. به این ترتیب هیچ جامعه‌ای بدون فرهنگ وجود ندارد (گیدنز، ۱۳۷۶). و می‌توان گفت که رشد فرهنگ، رشد جامعه است (هان، ۱۹۹۱). در این بین می‌توان ریسک را تصمیم‌گیری در باره مشکل دانست که خود با چالش‌ها و عواملی در ارتباط سواد فرهنگی به عنوان مجموعه‌ای از شناخت‌ها و توانمندی‌ها در زمینه فرهنگ و کنترل و هدایت آن، که تحقق مطلوب بسیاری از مدیران فرهنگی در حوزه روستایی، به آن وابسته است امری ضروری و بسیار با اهمیت می‌باشد، به گونه‌ای که موفقیت بسیاری از این مدیران فرهنگی منوط به

کسب دانش‌ها و مهارت‌های فرهنگی در زمینه سواد فرهنگی است. مؤلفه‌های سواد فرهنگی به عمده‌ترین ابعاد، جنبه‌ها، ویژگی‌ها و همچنین بخش‌های کلی مفهوم سواد فرهنگی اطلاق می‌شود که عبارتند از: تاریخ ملی، تاریخ جهان، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روانشناسی، رسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و فناوری. منظور از عناصر سواد فرهنگی، مصادیق و زیر مؤلفه‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی است که به بهترین نحو ممکن، کیفیت و وضعیت سواد فرهنگی را در وجوه گوناگون نمایان می‌سازد (فرمپینی فراهانی، ۱۳۹۷). سواد فرهنگی دموکراتیک‌ترین فرهنگ در سرزمین ماست. این سواد تقابل نسل‌ها و طبقات و گروه‌های اجتماعی را حل می‌کند، این سواد نخستین فرهنگ معمول یک فرد نیست، بلکه آن باید دومین فرهنگ هر فرد باشد، وجود و شریان این سواد به ماورای سپهر باریک خانواده، همسایه و ناحیه کشیده می‌شود (جعفری و رییس‌میرزایی، ۱۳۹۳). وقتی که ما توانایی آن را پیدا کنیم که به چیزی بجز خود فکر کنیم و فراتر از منافع شخصی خود بیندیشیم قدم اساسی در جهت کسب سرمایه معنوی برداشته‌ایم. علت اینکه سرمایه معنوی باعث غنی شدن زندگی انسانها می‌گردد به این دلیل است که نگاه انسان‌ها را نسبت به زندگی تغییر داده و این نگاه را از تمرکز صرف بر خود به تمرکز بر کل دنیا معطوف می‌کند، به این معنا که انسان‌ها یاد می‌گیرند تأثیر عملکردها و رفتارهای خود را بر کل محیط اطراف خود دیده و باور کنند که فرایندهای رفتاری و گفتاری آنها می‌تواند بر زندگی حال و آینده دیگر افرادی که با آنها در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم هستند تأثیر به‌سزایی داشته باشد؛ به همین دلیل دقت و حساسیت زیادی بر روی عملکرد خود داشته و سعی می‌کنند نتیجه رفتارهای خود را بر محیط بیرونی و درونی مرتبط با

۱ - Tohani & Shofwan

۲ - Ngazile Ngema & Lange

۳ - Brennan

۴ - Han

خود مورد بررسی قرار داده و بعد دست به اقدام بزنند. سرمایه معنوی به پایداری آینده بشری اهمیت داده و در این راستا و باتوجه به این طرز تفکر زندگی انسانها را غنی تر می سازد با این نگاه سرمایه معنوی باعث پایداری دائمی سازمانها و تحولات اساسی در روشهای کسب و کار می گردد و مزیت رقابتی سازمانها را تضمین می نماید (بدخشانی و پیری، ۱۳۹۰). بر این اساس فرهنگ مهم است، زیرا برآیند نیروهای عظیم، نهفته و ناخودآگاهی است که رفتار فردی و گروهی افراد را رقم می زند و الگوی ذهنی، نگرشها و ارزشهای مورد قبول آنان را تعیین می کند (شفیع زاده و همکاران، ۱۳۹۰). جوامع روستایی که آماده تغییر فرهنگی نیستند قادر به حفظ موجودیت فرهنگی خود نخواهند بود و حتی در حال انقراض خواهند بود. برعکس، افرادی که توانایی انطباق و پیش بینی تغییرات را دارند، ممکن است فرهنگ آنها حتی بتواند بر فرهنگهای دیگر تأثیر بگذارد. بنابراین، جامعه باید توانایی درک فرهنگ متعلق به فرهنگ و جوامع دیگر را داشته باشد. به عبارت دیگر، جامعه باعث می شود شهروندان خود فرهنگ رفتار آگاهانه داشته باشند. جامعه آگاه از فرهنگ توسط افرادی مشخص می شود که از فرهنگ خود آگاهی دارند که شامل ارزشها، اعتقادات، رفتارها و نتایج رفتارهای انسانی است که با فرهنگ دیگران متفاوت است، از این آگاهی برخوردارند که فرهنگ آنها باید بتواند به طور هماهنگ در افراد مختلف رشد کند (تهانی و همکاران، ۲۰۱۹).

جهان امروز با سرعت تغییر و تحول در ساختارهای مختلف اجتماعی را پشت سر می گذارد. بر اثر توسعه ارتباطات اجتماعی، تکنولوژیهای واسط فرهنگ جوامع نیز دچار تغییر شده اند. واضح است که اگر ساختارهای فرهنگی یک جامعه متناسب با تحولات اجتماعی و اقتصادی تحول و پویای یابند به انسجام اجتماعی توسعه منجر می شود و اگر ساختارهای فرهنگی یک جامعه با تحولات آن هماهنگ نشوند، دچار نوعی تضاد و تاخیر فرهنگی و عقب ماندگی می شود (حبیبی، ۱۳۷۹). جامعه ایران در

دهه های اخیر تغییر و تحولات عمیقی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تجربه نموده است، این دگرگونیها طیف گسترده ای از تغییرات بنیادی، الگوهای رفتاری، فرهنگ-سیاسی، ارتباطات اجتماعی و نظایر آن در بر می گیرد و مناطق روستایی نیز از این تغییر و تحولات بی نصیب نبوده است. حال این سوال مطرح است که: عناصر تأثیرگذار و تأثیرپذیر بر ریسک سواد فرهنگی جامعه روستایی استان لرستان به چه صورتی می باشد؟ واسکونسوس^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان سرمایه معنوی فردی: معنا، چارچوب مفهومی و مفاهیم دریافتند که این مدل از فرد دعوت می کند تا از فضایل برجسته و ویژگیهای انسانی قابل توجه به منظور ایجاد یک سرمایه معنوی، یعنی: فروتنی، شفقت، بخشش، همدلی، احساسات مثبت، ارتباطات/روابط و حس همکاری، بهره برداری کند. در نهایت، پیش بینی می شود که تلاش برای ایجاد یک سرمایه معنوی ممکن است فرد را به احساس رفاه و انعطاف پذیری بیشتر در کار سوق دهد. تهانی و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در مطالعه ای با عنوان نیازهای آموزش سواد فرهنگی هنرآموزان و فرهنگ در جامعه روستایی به این نتایج دست یافتند که دست اندرکاران هنر و فرهنگ برای مدیریت یا انجام فعالیتهای هنری و فرهنگی به روشی معنادار و توسعه یا پیش بینی تغییرات محیطی که بر پایداری هنر و فرهنگ تأثیر دارند، نیازهای آموزشی دارند. بنابراین، فرآیند آموزشی معنادار به عنوان مداخله در توسعه هنر و فرهنگ جامعه با استفاده از رویکرد آموزش مبتنی بر فرهنگ باید برای توسعه مدیریت هنر و فرهنگ انجام شود. نوپرت و همکاران^۳ (۲۰۱۷) نقش سرمایه معنوی در نوآوری و عملکرد: شواهدی از اقتصادهای در حال توسعه را مورد واکاوی قرار دادند. نتایج حاکی از روابط معنادار بین سرمایه معنوی

۱ - Vasconcelos

۲ - Tohani

۳ - Neubert et al

کارآفرینان و نوآوری و عملکرد تجاری است، حتی پس از محاسبه سایر اشکال سرمایه. کی. اوسکول و اوور^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان پاسخ به محرومیت اجتماعی در متن فرهنگی: شواهدی از جوامع کشاورزی و گله داری، دریافتند که سیستم-های اقتصادی مبتنی بر جوامع، نحوه تعامل اعضای آنها با دیگران را شکل می‌دهد و این، به نوبه خود، می‌تواند پاسخ افراد به محرومیت اجتماعی را شکل دهد. پالمر و وانگ^۲ (۲۰۱۳) در تبیین مفهوم سرمایه معنوی سرمایه معنوی از طریق پرورش ارزش معنوی ذاتی و نامتناهی هر انسان ایجاد می‌شود. هنگامی که این پرورش در فرهنگ سازمانی آن گنجانده شود، ظرفیت فردی و گروهی را برای پیگیری اهداف ذاتی و خدمت به منافع عمومی افزایش می‌دهد. مارتینز و همکاران^۳ (۲۰۱۱) با بررسی سرمایه معنوی در سازمان‌های مدرن دریافتند که برای درک بهتر مفاهیم سرمایه معنوی، باید نتایج سازمانی و فردی مرتبط با سطوح بالای سرمایه معنوی در نظر گرفته شود. داسکن و بینز^۴ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای با موضوع فرهنگ، سنت و معیشت پایدار روستایی: کاوش در رابط فرهنگ و توسعه در کندهای سریلانکا، متذکر شدند که فرهنگ و سرمایه فرهنگی جنبه‌های مهم در تأمین‌ها هستند، اما بطور قابل توجهی مورد غفلت قرار می‌گیرند. شناختن این نکته نیز مهم است که فرهنگ سنتی می‌تواند یک دارایی متمایز از یک یا چند جامعه کوچک باشد و تعمیم در طیف وسیعی از محیط‌های روستایی هم دشوار و هم نامناسب است. اما نیاز به درک بیشتر و تأکید بیشتر بر سرمایه فرهنگی وجود دارد که فرهنگ را به عنوان یک دارایی مفهوم می‌بخشد که می‌تواند پایداری را به طور قابل توجهی تقویت کند. رائو و سانیا^۵ (۲۰۰۹) در تحلیل کرامت از طریق گفتمان:

۱ - K. Ausculus and Over

۲ - Palmer & Wong

۳ - Martinez et al

۴ - Dasken and Benz

۵ - Rao and Sanial

فقر و فرهنگ مشورت در دموکراسی‌های روستاهای هند. متوجه شدند: فرهنگ، یک متغیر توضیحی از قبل ثابت، دارای وقفه تاریخی نیست که از مقاومت بالایی در برابر تغییر برخوردار باشد. این یک فرایند ارتباطی است که می‌تواند تحت تأثیر سیاست-های عمومی قرار گیرد به گونه‌ای که بتواند مزایای روانی و مادی فقرا را به همراه داشته باشد. ورثام و ورثام^۶ (۲۰۰۷) در تحلیل پژوهشی با عنوان سرمایه معنوی و زندگی خوب به این نتیجه رسیدند که از یک سو، «زندگی خوب» نقشی را در بر می‌گیرد که مدنیت، همدردی، نوع دوستی، عشق، همکاری، همدلی، معنویت، شادی، صمیمیت، شفقت و مهربانی در شکل دادن به زندگی روزمره و ایجاد و حفظ شبکه‌های اجتماعی قوی ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، در حالی که معنویت جنبه‌ای از زندگی خوب است، انباشت سرمایه معنوی می‌تواند بر زندگی خوب و جامعه خوب تأثیر بگذارد.

امیری و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی ارائه مدل سرمایه معنوی در سازمان‌های مردم نهاد شهر تهران دریافتند که الگوی سرمایه معنوی در سازمان‌های مردم نهاد عوامل سازمانی و عوامل گروهی به عنوان شرایط علی از طریق ارزش محوری به عنوان پدیده محوری و با در نظر گرفتن فرهنگ جامعه، محیط خانواده، محیط مذهبی و محیط اجتماعی به عنوان بستر پدیده از طریق فرهنگ کار به عنوان راهبرد منجر به پیامدهای پایداری سازمانی، رضایت شغلی، بازخورد رسانه، افزایش بهره‌وری، کارایی کارکنان، تعهد سازمانی و آرامش خاطر می‌شود. بهرامی و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی موضوعی تحت نام تحلیلی بر فرهنگ شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در استان لرستان، به این مهم رسیدند که هرچند برحسب خاستگاه زندگی شهروندان (روستا، عشیره و شهر) تفاوت معناداری در فرهنگ شهروندی وجود دارد، میانگین نمرات فرهنگ شهروندی در میان زنان و

۶ - Wortham & Wortham

نشانگاههای منفی (مسببان و نکوهش شدگان) از منظر مطالب بررسی شده، منبع داخلی داشته و فقط ۲۶/۷ درصد نشانگاههای منفی شامل شخصیت‌های حقیقی و حقوقی خارجی بوده‌اند. بیک محمدی و همکاران (۱۳۹۶) تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی در شهرستانهای استان فارس را مورد مطالعه قرار داده‌اند. از مهمترین نتایج این تحقیق می‌توان به نابرابری و اختلاف بسیار زیاد شاخص‌های مورد نظر در سطح شهرستانهای استان فارس اشاره نمود، به طوری که شهرستان شیراز با امتیاز اولویت ۰/۹۵۴ در سطح فرابخوردار و بیست و هشت شهرستان دیگر استان فارس با فاصله بسیار زیاد نسبت به شهرستان مذکور قرار گرفته اند؛ لذا توجه به برنامه‌ریزی فضایی و ارایه راهبردهای صحیح و اجرایی در راستای نیل به توسعه و پیشرفت متعادل منطقه‌ای، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. عنابستانی و همکاران (۱۳۹۱) تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان جهرم را مورد ارزیابی قرار داده‌اند، نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داده که معیار «شبکه اجتماعی» با ضریب تعیین ۰/۶۷۹ بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت در نواحی روستایی دارد. نقوی و همکاران (۱۳۹۱) بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار را مورد واکاوی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد وضعیت کلی اجتماعات روستایی در ایران نشان می‌دهد که برنامه‌های فرهنگی و برنامه‌های توسعه پایدار در نواحی روستایی با توجه به نقش و جایگاه آن در این نواحی انطباقی با الگوی توسعه نداشته و از آنجایی که برنامه‌های توسعه از دستیابی به اهداف در همه زمینه‌ها دورمانده‌اند، بیشترین آثار منفی خود را بر اجتماعات روستایی از (بعد فرهنگی) بر جای نهاده‌اند. نقوی و همکاران (۱۳۹۱) نقش مدرنیته (نوگرایی) در تغییرات فرهنگی مناطق روستایی با استفاده از مدل تشابه به حل ایده‌آل (TOPSIS) در دهستان شهرستان شهداد را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که بین نوگرایی و

مردان تفاوت معناداری نشان نداد. بین متغیرهای پایگاه اقتصادی - اجتماعی و استفاده از رسانه‌های جمعی با فرهنگ شهروندی نیز رابطه معناداری وجود نداشت. نتایج اجرای آزمون همبستگی پیرسون، وجود رابطه مثبت و قوی متغیر هویت اجتماعی، رابطه مثبت و متوسط متغیرهای احساس امنیت اقتصادی، اعتماد اجتماعی و گرایش به تعلقات قومی طایفه‌ای و رابطه مثبت و ضعیف متغیر پنداشت از عملکرد نظام سیاسی را با فرهنگ شهروندی تأیید کرد. حیدری ساربان و خاجوی (۱۳۹۸) نقش سنت‌های فرهنگی در معیشت پایدار روستایی شهرستان اردبیل را مورد ارزیابی قرار دادند، نتایج نشان داد همبستگی مثبت و معناداری با ضریب ۰/۶۳ درصد بین متغیر سنت‌های فرهنگی و معیشت پایدار در مناطق روستایی وجود دارد. غفاری و بخشی‌زاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان نقش ICT روستایی و توسعه فرهنگی در توسعه قابلیت‌های روستاهای دهستان سردابه شهر اردبیل، دریافتند که ICT باید بر پایه مشارکت سازمانهای محلی، کنترل محلی، متناسب با خصوصیات و ویژگی‌های محلی و بومی ایجاد گردد، در غیر این صورت توسعه قابلیت‌های روستاها شکل نخواهد گرفت. لطفی (۱۳۹۷) در بررسی نوسازی فرهنگی روستا و شکست سیاست‌های کارآفرینی روستایی در استان ایلام، دریافتند که عواملی مانند عملکرد رسانه‌ها، نظام آموزشی، نظام اقتصادی و سیستم بوروکراسی کشور باعث تغییر سبک زندگی، انتظارات، نوع معیشت و فرهنگ اقتصادی و حتی تربیت اقتصادی و نیز وابستگی و عدم استقلال شهر از روستا و نهایتاً شکست سیاست‌های کارآفرینی روستایی در ایران شده است. حبیبی و همکاران (۱۳۹۶) در واکاوی موضوعی با عنوان مسئله فرهنگی و مسئله‌شناسی فرهنگی ایران از دیدگاه نخبگان دانشگاهی و حوزوی داخلی به این نتیجه رسیدند که نفوذ فرهنگی، مدیریت ناکارآمد فرهنگ، رواج فرهنگ برهنگی، تزلزل نهاد خانواده و دروغ‌گویی، مهم‌ترین مسائل فرهنگی کشور در زمان حاضر می‌باشند؛ این در حالی است که مهمترین

واقع شده. به طوریکه در نتایج مطالعات انجام شده بر این امر تأکید داشته‌اند که به منظور تقویت و بهینه‌سازی فرهنگ روستائیان و در پی آن افزایش سرمایه معنوی منبعث از این فرایند به پارامترهایی چون: سیستم‌های معیشتی، نحوه تعامل اعضای آنها با دیگران، درک و تأکید بیشتر بر سرمایه فرهنگی، در نظر گیری مزایای روانی و مادی فقرا، فهم سنت‌های فرهنگی آنها، انطباق الگوی توسعه‌ای آنها، زمینه‌سازی دسترسی و مصرف کالاهای فرهنگی، می‌تواند به تدوین راهبردی کاربردی در جهت بالا رفتن ریسک سواد فرهنگی، و سرانجام بهبود سرمایه معنوی در بین روستائیان شود.

مبانی نظری پژوهش

رالف لیتون؛ فرهنگ را ترکیبی از رفتار اکتسابی می‌داند که به وسیله اعضای گرایش کم به عقلانیت و قاعده‌مندی، زنانگی در برابر مردانگی، فاصله قدرت بالا به قدرت پایین، بی‌اعتمادی و بدبینی به دیگران، جمع‌گرایی در برابر فردگرایی، خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی، تجدد و نوگرایی توجه به مظاهر دنیای متجدد، بی‌توجهی به زمان، پذیرش ابهام، تردید در زندگی، تقدیرگرایی، دینداری، انگیزه موفقیت و غیره جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و میان افراد مشترک است، باید مدنظر قرار داد (خاکپور و شیخ‌محمدی، ۱۳۹۰). همچنین شاین ۱ فرهنگ را در سه سطح مختلف تعریف می‌کند که شامل تمام پدیده‌هایی که قابل دیدن، شنیدن و لمس کردن هستند و البته کشف مفهوم آنها بسیار دشوار است. سطح ارزش‌های حمایتی، هنجارها و قواعد رفتاری (که نشان دهنده اولویت‌ها یا چیزهایی هستند که باید انجام شوند). مفروض‌های اساسی که شامل عقاید درست فرض شده و غیرقابل مجادله، ادراک‌ها، افکار و احساس‌ها هستند و منبع نهایی ارزش‌های عملی به شمار

تغییرات فرهنگی در سطح جامعه نمونه رابطه معناداری وجود دارد. همزه‌ای و همکاران (۱۳۹۱) در شناخت فرهنگ فقر در روستائیان شهرستان هرسین، متذکر شدند که مشخصه‌های فرهنگ فقر، در بین روستائیان شهرستان هرسین، به صورت زیر است: بی‌توجهی به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، مورثی بودن فقر، انزوای شدید اجتماعی، انزوای فضایی و مکانی، وضعیت اقتصادی بسیار بد و نداشتن مشارکت اجتماعی. فیاض و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود با موضوع نشانه‌شناسی چشم-اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا، دریافتند که در چشم‌اندازهای فرهنگی به عنوان «متن» و هم «زمینه» و با لحاظ شرایط زمانی، نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی نقش مهمی در تفسیر و فهم معناهای نهفته در آنها ایفا می‌کند. فاضل‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) در ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم، دریافتند که بین سطح برخورداری روستاها از امکانات فرهنگی با شرایط جمعیتی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین بین برنامه‌ریزی فرهنگی با شرایط اجتماعی و جغرافیایی هیچ رابطه معناداری یافت نشد. امینی‌فسخودی (۱۳۸۹) تحلیلی بر وضعیت رفتارهای فرهنگی در نواحی روستایی کشور را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج پژوهش ایشان حاکی از وضعیت نامساعد مصرف کالاهای فرهنگی در مقایسه با میزان دسترسی به این کالاهاست و به طور کلی پایین بودن سطح بهره‌وری فرهنگی در مناطق روستایی کشور را نشان می‌دهد؛ گرچه دسترسی‌ها نیز وضعیت چندان مطلوبی ندارد.

با توجه به پیشینه پژوهش، مشخص شد که مطالعات کمی در رابطه با فرهنگ روستائیان انجام گرفته. بنابراین جهت بررسی موضوع مطرح شده به مطالعاتی که مرتبط و یا بعضاً با مسائل فرهنگی در ارتباط بوده اکتفا گردید. بحث سواد فرهنگی در روستائیان مقوله بسیار با ارزشی است که کمتر مورد توجه

می‌روند (موحدی، ۱۳۸۵).

توسعه فرهنگی در جامعه ما دربرگیرنده سه بخش است:

۱- فرهنگ بنیادی در واقع تعیین کننده خطوط کلی، زیربناها و آرمان‌های فرهنگی جامعه است و یکی از فرآورده‌های بسیار مهم این بخش که کلیه فعالیت‌های توسعه اجتماعی به آن متکی است، مبانی معرفتی مورد نیاز است یعنی اندیشه سیاسی، اندیشه فرهنگی، اندیشه نخبگان فرهنگی جامعه که در برنامه ریزی و اجرای فعالیت‌های فرهنگی دخالت چندانی ندارند ۲- فرهنگ تخصصی، اصول و خطوط کلی فرهنگ جامعه که در بخش فرهنگ بنیادی ساخته شده است و توسط گروهی خاص از اندیشمندان و متخصصین هر بخش از فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته و زمینه‌های مفهوم یافته، قابلیت استفاده برای اجرا می‌یابد. این گروه به عنوان حلقه واسط بین بنیان‌گذاران فرهنگی و ارائه‌کنندگان فعالیت‌های فرهنگی عمل می‌کنند ۳- فرهنگ عمومی، مفاهیم و دستاوردهای فرهنگی در قالب‌های مختلف و از طریق نرم‌افزارها و ابزارهای گوناگون به جامعه عرضه می‌گردد. این مفاهیم برحوزه تمایلات، اندیشه‌ها و رفتارها تأثیر می‌گذارند و می‌توانند آنها را در جهت تکامل و یا تنازل توسعه دهند مراکز و افرادی که عهده‌دار انجام فعالیت‌های فرهنگی هستند مانند: صدا و سیما، رسانه‌های مطبوعاتی و اطلاعاتی، نویسندگان، مبلغان دینی و غیره در این گروه جای دارند (ناظمی‌اردکانی و کشاورز، ۱۳۸۵). از سویی فرهنگ عمومی به معنی عناصری از فرهنگ است که مردم به آنها باور دارند و به آنها عمل می‌کنند و در بخش غیررسمی اجتماع جای می‌گیرد مانند سبک معماری، شیوه نامگذاری فرزندان، ارزش‌ها و هنجارها، اخلاق اجتماعی، شیوه‌های همسرگزینی و ازدواج، ارزش کار وقت و پول، فرهنگ کتابخوانی و مطالعه و ...

مفهوم ریسک

مفهوم و درک ریسک، و همچنین واکنش در برابر آن، به

شدت تحت تأثیر ادراکات اجتماعی، فرهنگی، ارزش‌ها، تاریخ و ایدئولوژی، به ویژه با توجه به ایده‌هایی که جهان "چگونه" باید باشد، است (دیکمن^۱، ۲۰۱۰). جهان اطراف ما به وسیله نا اطمینانی احاطه شده است. این نااطمینانی یک واقعیت عینی و ویژگی ذاتی محیطی است که با آن مواجهیم ولی از درک ذهنی آن به خطر (ریسک) یاد شده است. پس تفاوت نااطمینانی و ریسک در معنای عینی و ذهنی آن است. بر این اساس برای درک مفهومی ریسک مصداق‌های از آن در زیر بیان می‌شود:

در کشورهای کم درآمد، خانوارهایی که دارایی کمی دارند می‌توانند در فقر مزمن گرفتار شوند. به دلیل قرار گرفتن در معرض خطر زیاد بیمه نشده، خانوارها ممکن است استراتژی‌های کم خطر و کم بازده را برای استفاده از دارایی‌های مولد اتخاذ کنند، این احتمال را که می‌توانند دارایی‌های مورد نیاز برای فرار از فقر را از طریق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مطلق جمع کنند، کاهش دهند. بنابراین، کسانی که دارایی کمی دارند ممکن است به درستی درک کنند که زمان در مبارزه روزمره آنها برای خروج از فقر متحد نیست. ناامیدی حاصل می‌تواند از نظر احتمالاتی دقیق باشد و خود تقویت کننده باشد. برخی دیگر متحمل ضرر و زیان دارایی بدون بیمه می‌شوند که ناگهان آنها را در فقر و احتمالاً در ماریجی نزولی قرار می‌دهد. این مضامین از ادبیات در حال ظهور در مورد تله‌های فقر، رابطه بین خطر و فقر مداوم و همچنین فرصت‌های ارائه شده توسط نوآوری‌ها در ریسک را نشان می‌دهد (بارنت و اسکیز^۲، ۲۰۰۷). از دیدگاه هنجاری، بیمه فقط برای افرادی که درک خطر ذهنی آنها با تصورات عینی متفاوت است، تفاوتی ایجاد می‌کند. از دیدگاه مثبت، ارزش شانس گرفتن را ندارد و بیمه درک خطر را کاهش می‌دهد. به طور مشابه سمپاشی محصولات یا واکسیناسیون حیوانات می‌تواند باعث کاهش یا از بین بردن امکانات نامطلوب شود، در

۱ - Dickman

۲ - Barnett & Skees

نتیجه محیطی که کشاورزان فعالیت می‌کنند تغییر می‌کند. نوع دیگری از مدیریت ریسک که اغلب نادیده گرفته می‌شود، اصلاح درک ذهنی از ریسک است. به عنوان مثال، وقتی شخصی اطلاعات را نادیده می‌گیرد. به طور دقیق این امر باعث تغییر در فضای تصمیم‌گیری نمی‌شود، بلکه درک از آن واقعیت ذهنی است. تعریف فوق از مدیریت ریسک باید بر پایه‌های سالم قرار گیرد. به نظر می‌رسد با سنت حداکثر سازی مطلوبیت در طیف وسیعی از علوم اجتماعی از اقتصاد گرفته تا روانشناسی مغایرت دارد. این امر نیاز به تعریف بهتر مفهوم ریسک و درک بهتر فرایندهای اقتصادی - اجتماعی دارد (کوستو و لینگارد، ۲۰۰۳). مدیریت ریسک مزایای واقعی و قابل توجهی به سازمانها، پروژه‌های آنها و ذینفعان آنها می‌بخشد، اما اینها هرگز بدون شناخت اهمیت مدیریت ریسک در همه سطوح کسب و کار، به صورت عملیاتی تحقق نخواهد یافت (دیدراگا، ۲۰۱۳).

مفهوم فرهنگ

شاید بتوان گفت اصلی‌ترین عنصر و جزء یک سازمان و یک جامعه فرهنگ است. همانگونه که حیات و رشد موجودات در محیط زیست طبیعی و مشترک آنها امکانپذیر است، افراد، سازمانها و جوامع نیز در محیط زیست فرهنگی می‌توانند به حیات و رشد ادامه دهند (گودرزی و شیخ زاده، ۱۳۸۸). بنابراین فرهنگ را به دو صورت سلبی و ایجابی می‌توان تعریف کرد: در تعریف سلبی، مسئله فرهنگی زمانی رخ می‌دهد که یک نقص یا کمبود توسط خبرگان فرهنگی یا تعداد قابل توجهی از آحاد جامعه ادراک می‌شود، که مسئله هم قابل مشاهده و هم قابل اندازه‌گیری است. تعریف ایجابی مسئله فرهنگی این است که عدم درک فرصتها منجر به پدید آمدن یک مسئله فرهنگی می‌شود. ممکن است فرصت‌های متعددی باشند که عدم بهره‌مندی

از آنها در زمان و موقعیت خودش، فرصت را به یک مسئله فرهنگی یا تهدید فرهنگی تبدیل کند (حیبی و همکاران، ۱۳۹۶). فرهنگ در تعریف کوهن عبارت است از دستاوردها، نهادها، عقاید، و مجموعه‌ای از قواعد معاشرت و رفتارهای مرسوم که جامعه آن را برای بهره‌برداری از نیروهای بالقوه موجود در زیستگاه خاص خویش به کار می‌گیرد. یا به نوعی، فرهنگ مجموعه کلی از اجزای معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروهی را متمایز می‌سازد (فاضل‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹). در ادبیات جهان تعریف‌های بسیار زیادی برای فرهنگ ارائه شده. اما در یک دسته‌بندی کلی می‌توان گفت که این واژه در دو مفهوم «هنر» و «شیوه زندگی» به کار رفته است. معمولاً در مباحث سیاسی فرهنگ به مثابه «هنر» و در دیدگاه مردم‌شناسانه به معنای شیوه‌زندگی به کار می‌رود. در دیدگاه مردم‌شناسانه، فرهنگ کلمه‌ای اصلی برای همه الگوهای فکری، احساسی و علمی است که نه تنها شامل اعمالی می‌شود که فکر را می‌سازد، بلکه امور معمولی زندگی مثل معاشرت، غذا خوردن و غیره را نیز در بر می‌گیرد (میرزمانی، ۱۳۹۳). به گفته بیت، عمدتاً شش جنبه اصلی وجود دارد که مردم معمولاً هنگام توصیف فرهنگ از آنها استفاده می‌کنند: اول این که "فرهنگ راهی برای زندگی" است به این معنی که کل مجموعه چیزهایی مانند طراحی برای زندگی، برنامه‌ریزی برای زندگی و رفتار یک گروه و تمام فعالیت‌های آن بخشی از فرهنگ است. ثانیاً، "فرهنگ آموخته می‌شود" به این معنی که هیچ کس با آن متولد نمی‌شود، اما از کودکی تا مرگ به مردم آموزش داده می‌شود. سوم این که "فرهنگ شامل زبان است" به این معنی که یادگیری فرهنگ بدون تعامل، تجزیه و تحلیل فرآیندهای الگوی تفکر غیرممکن است و زبان نقطه ورود فرآیند فرهنگ سازی است. چهارم این است که "فرهنگ شامل آیینها، نمادها و اسطوره‌های ما است" به این معنی که تمام فرهنگ‌های

۱ - Kostov & Lingard

۲ - Didraga

هریک از اعضای جامعه را مشخص می‌کند (شفیع‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰).

عناصر اصلی فرهنگ روستایی به دست آمده از شیوه معیشت، فلسفه‌ی زندگی و سنت‌ها و نظام باورها و هنر بومی در ارتباط با توسعه عبارتند از:

آنی‌نگری و فقدان روحیه‌ی سرمایه‌گذاری، واگذاری امور به ماوراءالطبیعه، وابستگی قومی و خانوادگی، وجود زمینه‌های تعاونی و مشارکت در فعالیت‌های غالباً عمرانی، مثل باورها، شیرواره، شاه‌چپر و غیره تأکید بر عمل تاحرف در اجرای پروژه به سخنرانی‌ها، حرف‌ها و وعده‌هایی که نسبت به آنها خوشبین نیستند. موضع‌گیری نسبت به ورود افرادی که اهل روستا نیستند ولی برای روستایی تعیین تکلیف می‌کنند. ذهنیت منفی نسبت به نیروهای دولتی، پیش‌خوری «سلف‌فروشی» براساس فعالیت کشاورزی، وابستگی‌های روستاها به افراد ذی‌نفوذ، و غیره است.

سواد فرهنگی

فرهنگ یک مفهوم کلیدی برای انسان شناسانی است که جهان را به عنوان یک "موزاییک فرهنگی" از فرهنگ‌های سنتی و ارزش‌های موروثی می‌دانند. این مفهوم همچنین در زمینه توسعه گیج کننده است، این سوال را مطرح می‌کند که آیا فرهنگ یک جنبه یا وسیله‌ای برای "توسعه" است (به معنای پیشرفت مادی) یا اینکه "فرهنگ" شاید هدف نهایی "توسعه" باشد (داسکون و بینز، ۲۰۰۹). سواد فرهنگی شاخص بسیار روشنی برای نقش فرد در جامعه است. هر جامعه‌ای که به نقش فرد اهمیت می‌دهد و مشارکت افراد در آن مهم باشد، بسترهای پرورش سواد فرهنگی را فراهم می‌کند. سواد فرهنگی شناخت یک فرد است، از پیشینه یا تاریخ جامعه خود و جامعه جهانی، جغرافیای خود و جغرافیای جهانی، مناسبات اجتماعی و شناخت نشانه‌های فرهنگی و واکنش بایسته و شایسته به آن. سواد

جهان دارای این جنبه‌ها هستند که با افراد درون فرهنگ صحبت می‌کنند اما با افراد خارج خیلی واضح صحبت نمی‌کنند. پنجمین مورد این است که "فرهنگ به زندگی ما معنا می‌بخشد" به این معنی که فرهنگ تجربه بی‌نظیر بودن را با خود به همراه دارد. سرانجام، "فرهنگ در مورد ارتباط بین افراد به صورت کلامی و غیرکلامی است". کسانی که درون یک فرهنگ هستند یکدیگر را درک می‌کنند در حالی که فرهنگ‌های خارج از آن‌ها معمولاً نمادها، کلمات، زبان و رفتار را اشتباه می‌فهمند (بات، ۲۰۰۹). مفهوم فرهنگ در نگاه او برای بیان یک مجموعهٔ تکامل یافته از عقاید و رفتارهایی که بر اثر تجارب تاریخی شکل گرفته‌اند، به کار رفته است (میرمحمدی و علائی، ۱۳۹۲). لیکن، فرهنگ ساز و کاری است کم و بیش منسجم، مشتمل بر دو بخش مادی و غیرمادی که در هر یک از دو بخش، دو نظام شناختی و هنجاری قرار گرفته‌اند و با درجات آزادی مختلف بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، تا در نهایت تعادل فرد، جامعه و محیط برقرار شود. «فرهنگ» را می‌توان مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های حاکم بر یک جامعه دانست. به دیگر سخن، مقوله‌ای است که در سطح جامعه و گروه و در تعامل میان آن‌ها معنا می‌یابد و شیوه برقراری ارتباط و تعامل را میان افراد آن جامعه بیان می‌کند. از طرفی فرهنگ را می‌توان نظامی فکری دانست که در گفتار و رفتار جامعه متجلی می‌شود. از این منظر، فرهنگ مقوله‌ای است در حال تحول که از بسیاری از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد. در کانون هر فرهنگ، مجموعه ارزش‌های رایجی قرار دارند که تعیین می‌کنند چه رفتارهایی در اجتماع قابل قبول و چه رفتارهایی مردود است. این ارزش‌های آموخته شده، شکل ساختار اجتماعی از قبیل خانواده، آموزش، سیستم ارتباطات، عادات، انجمن‌ها، نقش‌ها و موقعیت‌های

فرهنگی تنها برای فرد نیست و برای ایجاد رابطه میان افراد نیز هست. تصور کنید که شما در مقام یک کارشناس علوم با یک کشاورز در ترن کنار هم نشسته‌اید و مجبور به هم‌نشینی چندساعته هستید. سواد فرهنگی نقش بی‌بدیلی در هر نوع گفت‌وگویی از همدلانه، انتقادی و هدایت‌گرانه دارد و بسترهای مشارکت فرد را در جامعه ایجاد می‌کند. یکی دیگر از ویژگی‌های سواد فرهنگی، شناخت از فرهنگ دیگری است. شناخت از فرهنگ دیگری روابط فرد را با جهان دیگر یا فرهنگ دیگر سازمان می‌دهد و به او مدارا با فرهنگ‌های دیگری را می‌آموزد (پورفرج و همکاران، ۱۳۹۱).

سواد فرهنگی، افراد را توانمند می‌سازد تا توانایی شناخت هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم در فرهنگ‌های مختلف را کسب کنند و در شرایط و موقعیت‌های فرهنگی، رفتار مناسبی از خود بروز دهند. باسوادان فرهنگی، پیام یک کتاب رمان را درک می‌کنند، تأثیر وب گردی و اعتیاد اینترنتی بر باورها و رفتار کاربران فضای مجازی را می‌فهمند، با قوت و ضعف فرهنگ دیگران، آشنا هستند، مسائل و مشکلات فرهنگی جامعه را می‌شناسند و توانایی نقد و تجزیه و تحلیل آن را دارند. اط‌سویی زمینه حضور فعال و مؤثر افراد در جهان فرهنگی را فراهم می‌سازد و به آنان امکان می‌دهد تا شناخت مناسب از تاریخ خود و جامعه جهانی و مناسبات اجتماعی و ارتباطات فرهنگی به دست آورند و توانایی تعامل مفید و ارتباط مؤثر را کسب کنند (نویدادهم و همکاران، ۱۳۹۷).

سرمایه معنوی

از آنجایی که دغدغه امروز بشر همواره پرداختن به معنویت (با اشکال مختلف آن) است؛ بنابراین از نظر ساختارگرایی و پدیدارشناسی، معنویت برای وارد شدن در مدل‌ها و ادبیات رفتار انسانی و سازمانی دارای ارزش بالایی است. و اینکه وجود سرمایه معنوی در یک سازمان، می‌تواند باعث بهم پیوستگی و

اتحاد افراد آن سازمان شده و در یک شبکه گسترده برد-برد منافع گروهی افراد آن سازمان را تأمین نماید و در عین حال به سازمان کمک کند به تعالی و توسعه پایدار دست یابد. بر این اساس، سرمایه‌های معنوی و اجتماعی را می‌توان در ابعاد خودآگاهی، تغییر چارچوب ذهنی، خودانگیزگی، چشم-اندازمحوری و ارزش‌محوری، کل‌نگری، فروتنی، دگرخواهی، اعتماد (اجتماعی، شخصی و نهادی) هنجارهای مشارکت و همکاری (کنش‌های یاری‌گرانه) و تعامل اجتماعی (شبکه روابط) مورد بررسی قرار داد (بنی‌سی و فرهودی، ۱۳۹۷).
به عبارتی سرمایه معنوی یعنی آگاهی نسبت به توانایی‌های خود، تشخیص پتانسیل‌های موجود در محیط اطراف، توانایی دیدن مسائل و مشکلات از ابعاد متفاوت، درک ارزش‌های والای انسانی، داشتن احساس همدلی و درک انسان‌های دیگر، احترام به تفاوت‌های موجود در انسان‌ها با اعتقاد به هدفمند بودن این تفاوت‌ها و توانایی بهره‌برداری از آنها و در نهایت توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت و داشتن نگرش برد-برد در تمامی سطوح زندگی سرمایه معنوی به فرد اجازه می‌دهد تا از توانمندی‌ها و قابلیت‌های درونی خود استفاده کند، احساسات و حالات مثبت را فعال کند و حتی بیشتر درگیر وظایف معنادار شود. علاوه بر این، نشان می‌دهد که وظیفه همه افراد بهبود بخشیدن به خود است. لذا، پیشایندهای سرمایه معنوی باید لزوماً از متغیرهایی ساخته شوند که برخی از فضایل را بیان می‌کنند (واسکونسوس^۱، ۲۰۲۱).

چشم‌انداز روستایی

چشم‌انداز یکی از مؤلفه‌های فرهنگ و بیانگر نیازهای انسانی، ارزش‌ها و هنجارهایی است که در گذشته شکل گرفته و در حال حاضر حفظ می‌شود (فیاض و همکاران، ۱۳۹۰). از این

رو می‌توان چشم‌انداز را به مفهوم فرمهای قابل رویت در سطح زمین و ترکیب آنها با هم در نظر گرفت (شکوئی، ۱۳۸۵). از این رو، چشم‌انداز روستایی به عنوان نوعی چشم‌انداز جغرافیایی، حاصل فعالیت و نحوه برخورد گروه‌های روستایی در یک محیط طبیعی _ انسانی معین به شمار می‌رود. بنابراین، نوع مناسبات

اجتماعی_اقتصادی، درجه رشد فرهنگی و روند تحول و تکامل گروه‌ها و جوامع انسانی در طول زمان تعیین کننده نهایی نوع و ابعاد دخالت در چشم‌انداز طبیعی و نهایتاً، توان تغییر در چشم‌انداز فرهنگی است (سعیدی، ۱۳۹۴).

جدول ۲: تعریف مولفه‌های پنج گانه چشم‌انداز روستایی (سعیدی، ۱۳۹۴ و ازکیا، ۱۳۸۱)

مؤلفه	تعاریف
فرهنگی	به واسطه تأثیرگذاری مداوم و پویایی گروه‌های انسانی بر یکدیگر و بر محیط طبیعی و همچنین تأثیرپذیری آنها از نیروهای حاکم بر محیط طبیعی، به وجود می‌آید.
تاریخی	انباشت تدریجی تجربه‌های افراد یک گروه در طول زمان.
اجتماعی	عقاید و باورها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها.
اقتصادی	شامل تمام مبانی اقتصاد خانوار روستایی، چه صنعتی، چه زراعی و... است.
طبیعی	بخشی از چشم‌انداز عمومی جغرافیایی است که به واسطه تأثیرگذاری عمده نیروها و عوامل محیط طبیعی به وجود می‌آید. این نیروها و عوامل عبارت است از موقعیت، اشکال ناهمواری، آب و هوا، پوشش گیاهی، زندگی جانوری و ... که در مجموع چهره خاصی به یک ناحیه یا منطقه بزرگتر می‌بخشد.

چشم‌انداز روستایی

از آنجا که توسعه فرهنگی به عنوان یک عامل اساسی در پیشرفت جامعه محسوب شده، سبب تأثیر بر تمایلات، اندیشه‌ها و رفتارها می‌شود. از طرفی آنها را به سوی تکامل و یا تنازل در فرایند توسعه سوق می‌دهد. بنابراین در درجه اول باید زمینه ریسک تغییر فرهنگ در جامعه ایجاد شود. زیرا ریسک در فرهنگ، تحت تأثیر ادراکات اجتماعی، فرهنگی، ارزش‌ها، تاریخ و ایدئولوژی، به ویژه با توجه به ایده‌هایی که جهان چگونه باید باشد، است. لذا در این بین فرهنگ به دو شکل سلبی و ایجابی تعریف می‌شود. جنبه ایجابی مسئله فرهنگی این است که عدم درک فرصت‌ها منجر به پدید آمدن یک مسئله فرهنگی می‌شود. ممکن است فرصت‌های متعددی باشند که عدم بهره‌مندی از آنها در زمان و موقعیت خودش، فرصت را به یک مسئله فرهنگی یا تهدید فرهنگی تبدیل کند. از سویی واضح است که فرهنگ روستایی تحت تأثیر شیوه معیشت، فلسفه‌ی زندگی و سنت‌ها و نظام باورها و هنر بومی آنها است. به طوری که آنی‌نگری و

فقدان روحیه‌ی سرمایه‌گذاری، واگذاری امور به ماوراءالطبیعه، وابستگی قومی و خانوادگی، وجود زمینه‌های تعاونی و مشارکت با ساختار فرهنگی آنان عجین است. از جهتی در فعالیت‌های آنان تأکید بر عمل است تا حرف، بدین لحاظ در اجرای پروژه‌ها به سخنرانی‌ها، حرف‌ها و وعده‌هایی که به آنها داده می‌شود، خوشبین نیستند. از این رو با چنین ساختار ذهنی و فرهنگی محدود به خود به سواد فرهنگی دست نمی‌یابند. سواد فرهنگی که نقش بسیار مهمی در هر نوع گفت‌وگویی از همدلانه، انتقادی و هدایت‌گرانه دارد، و بسترهای مشارکت فرد را در جامعه ایجاد می‌کند. نهایتاً سرمایه معنوی درخور چشم‌انداز روستایی شکل نمی‌گیرد.

مواد و روش‌ها

قلمرو جغرافیایی تحقیق

استان لرستان از استان‌های غربی ایران است. این استان

۲۹۳۰۸ کیلومتر مربع مساحت و بیش از یک میلیون و ۷۶۰ هزار نفر جمعیت دارد. به لحاظ موقعیتی بین ۴۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۰ درجه ۳ دقیقه طول شرقی و ۳۲ دقیقه و ۳۴ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. از شمال به استانهای مرکزی و همدان در غرب به استانهای کرمانشاه و ایلام، از جنوب به استان خوزستان و از شرق به اصفهان محدود می‌شود. دارای جمعیت روستایی به تعداد ۶۲۳۸۹۶ نفر، که معادل ۳۵/۴۴ درصد جمعیت استان است (نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). در این بین به دلیل ماهیت تحقیق، جامعه روستایی یا به نوعی روستائیان استان به صورت کلی هدف این مطالعه بوده. لرستان جامعه‌ای با پیشینه قوی نظام ایلی است که با وجود مواجهه صدساله با توسعه، هنوز پیوندهای طایفه‌ای، قبیله‌ای و خویشاوندی تا حدود زیادی بر آن غلبه دارد (ترکاری، ۱۳۹۳). بنابراین، قوم گرایی و هویت قومی یکی از مهم‌ترین سازوکارهای ایجاد تعلق بین گروهی در استان لرستان است؛ چنانکه وضعیت متغیرهای قوم‌مداری، احساس تعهد قومی، افتخار به هویت طایفه‌ای، خاص‌گرایی، و جمع‌گرایی در استان لرستان از میانگین کشوری بالاتر است (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۹۳). این امر سبب تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، خانواده، اقوام نزدیک، دوستان و آشنایان شده است. از سوی دیگر، هرچند سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در لرستان به دلیل غلبه طایفه‌گرایی بالاست، تحقیقات نشان می‌دهد که این استان به لحاظ سرمایه اجتماعی وضعیت مطلوبی ندارد (بهرامی، ۱۳۹۸). از طرفی دارای پیشینه فرهنگی بسیار قوی می‌باشد که آن را به نادرترین نقاط کشور تبدیل کرده. لیکن، با داشتن شیوه‌های سکونتی، معیشتی و فرهنگی خاص به سطح درخوری از توسعه نرسیده.

روش تحقیق

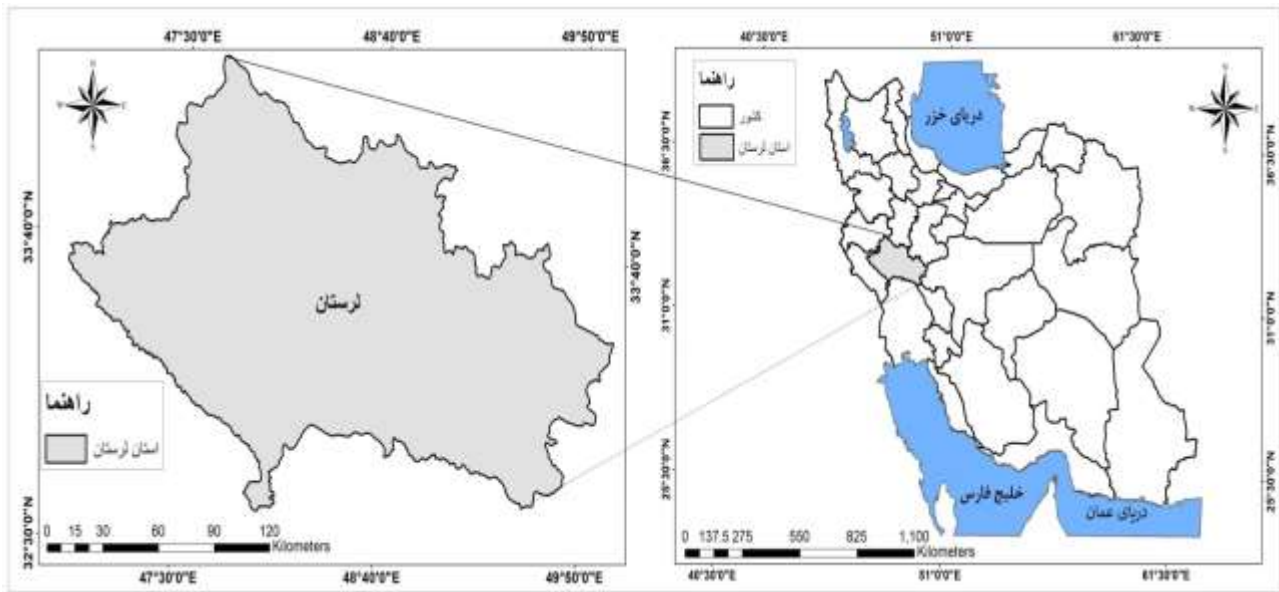
رویکرد کلی پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی و از نظر شیوه

گردآوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی است. بنابراین اطلاعات مورد نیاز در دو مرحله جمع‌آوری گردیده. در مرحله اول با مراجعه به منابع اسنادی شامل مجلات و مقالات علمی معتبر، مطالب مربوط به ادبیات تحقیق جمع‌آوری شده است. در مرحله دوم در این تحقیق اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه خبرگان (به شیوه مجازی) جمع‌آوری شده است.

روش دیماتل اولین بار توسط دو پژوهشگر به نام‌های فوتلا و گابوس در سال ۱۹۷۶ ارائه شد. این تکنیک بر اساس مقایسه‌های زوجی و از ابزارهای تصمیم‌گیری بر مبنای تئوری گراف است. این روش ممکن است (تأییدکننده روابط میان متغیرها یا محدودکننده روابط در یک روند توسعه‌ای و نظام مند متقابل بین معیارها، میزان تأثیر و اهمیت آن‌ها را به صورت امتیاز عددی مشخص می‌کند. مهم‌ترین شاخصه روش دیماتل، تصمیم‌گیری چند معیاره و عملکرد آن در ایجاد روابط و ساختار بین عوامل است. این تکنیک علاوه بر تبدیل روابط علت و معلولی به یک مدل ساختاری-بصری، قادر است وابستگی‌های درونی بین عوامل را نیز شناسایی و آن‌ها را قابل فهم کند (نقوی و همکاران، ۱۳۹۷؛ یادگار و همکاران، ۱۳۹۵). در ساختار دیماتل، هر یک از عوامل / زیر فاکتورها ممکن است از سایر فاکتورهای سطح بالاتر یا پایین به دست آید. یکی از برتری‌های این روش استفاده از برنامه بازخورد به جای روش تصمیم‌گیری دیگران است.

وابستگی متقابل میان جنبه‌های غیرقابل پیش‌بینی از طریق نقشه روابط متقابل را می‌توان از طریق این روش تجسم کرد. گروه: تأثیر را می‌توان با بهبود گروه علت به راحتی بهبود بخشید. زیرا گروه: تأثیرپذیری تحت، تأثیر سایر ویژگی‌های گروه علت است. این روش به مدیران کمک می‌کند تا با توجه به معیارهای گروه اثر، عملکرد بالایی داشته باشند (کاوشیک و سومویر، ۲۰۱۵). بنابر مطالب گفته شده می‌توان مراحل این روش را به

صورت زیر برشمرد:



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه (سازمان نقشه برداری کشور، ۱۴۰۰)

$$D = \lambda * Z$$

$$[d_{ij}]_{n \times n} = \lambda [z_{ij}]_{n \times n}$$

$$\lambda = \min_{\max 1 \leq i \leq n} \frac{1}{\sum_j^n = 1[z_{ij}]} , \frac{1}{\max 1 \leq i \leq n} \frac{1}{\sum_j^n = 1[z_{ij}]}$$

$$\lim_m \rightarrow \infty D^m = \{0\}_{n \times n}$$

مرحله ۱: جمع آوری نظریات پاسخگویان و محاسبه

میانگین ماتریس Z (۱)

$$z_{ij} = \frac{1}{m} \sum_{k=1}^m x_{ij}^k$$

مرحله ۲: محاسبه اولیه و نرمالیزه کردن ماتریس D (۲)

درک بصری

زبان بصری در طول تاریخ از اهمیت خاصی برخوردار بوده، اما طی ۵۰ سال گذشته یک تغییر اجتماعی و فرهنگی بر علیه فرهنگ کلامی و متنی آغاز و از ۲۰ تا ۱۰ سال اخیر تسریع شده است (داوپه^۲، ۲۰۱۱). عواملی همچون: جهانی شدن بازارها و مقوله‌های فرهنگی برای هنر، به رسمیت شناختن غلبه فرم بصری بر کلامی و متنی توسط رسانه‌های ارتباطی جدید، گسترش روز افزون تکنولوژی دیجیتال در تولید و انتشار برق آسای تصاویر، امکان دسترسی ارزان، آسان و سریع به تصویر و تقلید و کپی آنها، نقش و تأثیر هنرهای تجسمی و عناصر بصری در فرهنگ توده، سیطره رسانه‌های ارتباط جمعی بر کل جهان و حضور تلویزیون و اینترنت در تمام خانه‌ها، جهانی شدن تبلیغات و ابزار آن و نقش تبلیغات در زندگی انسان امروز، تأثیرات روانی تصاویر از منظر تولیدکنندگان، کاربران، بینندگان و نقش محوری آنها در شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای افراد جامعه، از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و مبهم شدن مرزهای فرهنگی، جهانی شدن و پیامدهای آن بر فرهنگ، هنر و تمدن ملل مختلف و به حاشیه رانده شدن مسئله هویت در جامع بین المللی، گسترش دامنه‌دار و سریع مطالعات فرهنگی، فرهنگ بصری و مطالعات تصویر در نقاط مختلف جهان را، با هدف حفظ و حراست زمینه‌های خاص فرهنگی، از جمله فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای و کمک به حفظ هویت ملل و اقوام مختلف در جهان در پی داشته است. نیکلاس میرزایف می‌نویسد: فرهنگ بصری فقط بخشی از زندگی روزمره نیست بلکه خود زندگی روزمره است (میرزوف^۳، ۱۹۹۹).

بنابراین می‌توان درک کرد که فرهنگ بصری در بر گیرنده همه کارهایی است که انجام می‌شود، چون همه آنچه انجام داده می‌شود توسط چیزهایی که می‌بینیم جهت داده می‌شوند و

مرحله ۳: استخراج ماتریس رابطه کل T (۳)

$$\begin{aligned} T &= \lim_{m \rightarrow \infty} (D + D^2 + D^m) \\ &= \sum_{m=1}^{\infty} 1D^i \\ \sum_{m=1}^{\infty} &= D^1 + D^2 + \dots + D^n \\ &= D(I + D^1 D^2 + \dots + D^{m-1}) \\ T &= D(I - D)^{-1}(I - D)(I + D^1 + D^2 + \dots + D^{m-1}) \\ T &= D(I - D)^{-1}(I - D^m) \\ &= D(I - D)^{-1} \end{aligned}$$

مرحله ۴: محاسبه مجموع از سطر و ستون از ماتریس

(۴)T

$$r = [r_i]_{n \times 1} = \left(\sum i^n = 1T_{ij} \right)_{n \times 1},$$

$$c = [c_{ij}]_{1 \times n} = \left(\sum i^n = 1T_{ij} \right)'_{1 \times n},$$

مرحله ۵: تنظیم مقدار آستانه α (۵)

$$\alpha = \frac{\sum i^n = 1 \sum i^n = 1\{t_{ij}\}}{N}$$

مرحله ۶: ساخت یک نمودار رابطه علت و معلول (دچارت و

پونگپون^۱، ۲۰۱۳).

شاخص‌ها/عوامل تحقیق

جهت ادامه فرآیند تحقیق انجام گرفته، و به روال مطالعات انجام شده، شاخص‌هایی برای ارزیابی ریسک سواد فرهنگی در چشم‌انداز معنوی روستاها به صورتی که در زیر آمده، مشخص گردیدند:

علاوه بر موارد یاد شده در جدول فوق، می‌توان عواملی چون: درک بصری، درک مکانی و درک فضایی فرهنگ را به شاخص‌های سنجش ریسک سواد فرهنگی اضافه نمود، که تعاریف آنها به شرح ذیل است:

۲ - Dauppe

۳ - Mirzoeff

۱ - Detcharat & Pongpun

زمان‌های مختلف، سازگار با اجتماع محلی و با قوانین ویژه خود، دارای ساختارمندی و کارکردی است (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۹).

بینش، دانش و مهارت

بینش مجموعه مفاهیم تصویری، تصدیقی و ترکیبی و تحلیل میان آنها برای تعریف و استدلال، همان است که از آن با عنوان بینش یاد می‌شود. بنابراین تا مفاهیم تصویری و تصدیقی در ذهن انسان پدید نیاید و در پی آن تعریف و استدلال که بیان دیگری از اندیشه ورزی است، رخ نماید، مجموعه بینش‌ها در انسان شکل نخواهد گرفت.

دانش پیوندی است که افراد بین اطلاعات و کاربردهای نیروی بالقوه آن می‌سازند، دانش مخلوطی از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام یافته است که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات و اطلاعات جدید به دست می‌دهد. دانش، درک، آگاهی یا شناختی است که در خلال مطالعه، تحقیق، مشاهده یا تجربه نسبت به جهان بیرونی در فرد ایجاد می‌شود (احمدی و صالحی، ۱۳۹۰).

مهارت شامل مجموعه‌ای از رفتارهای کلامی و غیر کلامی- اند، مستلزم به‌کارگیری و ارائه پاسخ‌های مناسب از محیط، و تحت تأثیر عوامل محیطی مانند سن، جنسیت، و پایگاه اجتماعی هستند (منطقی، ۱۳۹۴).

نتایج و بحث

در این بخش با توجه به عوامل مشخص شده در فرایند تحقیق، به بررسی سطح سواد فرهنگی روستائیان استان لرستان در قالب طرح پل خبرگان پرداخته شده. بر این اساس ماتریسی تشکیل گردیده، و از کارشناسان مرتبط خواسته شد که در چارچوب یک طیف ۵ گزینه‌ای که شامل گزینه‌های فاقد تأثیر (۰)، تأثیر کم (۱)، تأثیر متوسط (۲)، تأثیر زیاد (۳) و تأثیر بسیار زیاد (۴) به مقایسه زوجی عوامل تأثیرگذار فرهنگی روستائیان

آنچه می‌بینیم تصاویری است که ما را احاطه کرده‌اند (ایرواین^۱، ۲۰۱۱). فرهنگ بصری حیطه‌های بسیار گوناگونی را در بر گرفته و در پی آن است تا مقوله دیدن را در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اخلاقی، روابط نژادی، جنسیت، تاریخ هنر، رسانه‌ها و... مورد مذاقه قرار دهد، عوامل تأثیرگذار بر مقوله دیدن و رفتار بصری هر عصر و هر جامعه را مطالعه کند (میشل^۲، ۲۰۰۲).

درک مکانی

مقصود از جای خاصی است در سطح زمین که محدود به موقعیتی است با هویت و شناسایی شدنی که ارزش‌های ویژه و معینی با خود دارد. واحدی از فضا است: یک شهر، یک استان، و یک کشور. گاهی هم مکان به بخش خاصی از فضا که انسان اشغال کرده گفته می‌شود، نظیر مکان سکونت یا مکان گذران اوقات فراغت. بر اساس دیدگاه گیرین مکان می‌تواند اتاق، ساختمان، روستا، شهر، شهرستان، حومه، ناحیه کلان شهر، استان، منطقه، کشور، قاره، سیاره زمین، جنگل، کنار دریا، و قلعه کوه باشد. بدین ترتیب، مکان عبارت است از پیوند اشیا و فضا در درون محدوده و مرزی مشخص که بر اساس آنها تفاسیر و ارزش‌هایی را به خود می‌گیرد (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸).

درک فضایی

از دیدگاه دکتر رکن‌الدین افتخاری: عینیتی حاصل از نقش- پذیری و اثرگذاری افراد و گروه‌های انسانی در مکان یا به بیان دیگر پیامد عملکردهای متعامل دو محیط طبیعی _ اکولوژیک و اجتماعی و اقتصادی است. از این رو فضا را می‌توان نوعی تولید اجتماعی در مکان به شمار آورد؛ به طوری که برابند کنش نیروها و ارتباطات، دارای تفاوت و سازماندهی در مکان‌ها و

۱ - Irvine

۲ - Mitchell

مقطع دکتری، ۶ نفر دانشجویان دکتری رشته برنامه‌ریزی روستایی و ۹ نفر از مجموعه کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، شورای فرهنگ عمومی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوده‌اند. در ادامه بعد از جمع نظرات ارائه شده و محاسبه میانگین نظرات آنها، نتایج در جدول ذیل آورده شد:

امتیاز دهند. لذا با مراجعه به مطلعین مسائل فرهنگی و دانشگاهی (از طریق پرسشنامه الکترونیکی) و نظرسنجی از آنها (کسانی که در دسترس بوده‌اند)، به سنجش موضوع مورد بررسی پرداخته شد. این جامعه شامل اساتید، دانش آموخته‌گان دانشگاهی و کارشناسان مسائل فرهنگی بوده‌اند. در این بین ۳ نفر از مجموعه مورد مطالعه، اساتید دانشگاه، ۴ نفر دانش آموخته

جدول ۱: عوامل فرهنگی مؤثر در روند توسعه روستایی (نقوی و همکاران، ۱۳۹۱)

عوامل	ویژگی‌ها
زمینه فرهنگی	به مجموعه دانش و فنون موجود تلقی می‌شود. که هرچه فرهنگ رشد کند بر مجموعه دانش و فنون در آن افزوده می‌شود.
ارزش‌ها و هنجارها	نظام ارزشی هر جامعه اصول تعمیم یافته انتزاعی درباره رفتار افراد آن جامعه است. عدم موفقیت بعضی از برنامه‌های اصلاحی در روستاها از آنجا ناشی می‌شود که روستاییان در برابر دگرگونی‌ها مقاوم‌ترند.
باورهای جبر مسلکی	اعتقاد به قضا و قدر تا حدود زیادی می‌تواند مانع از تغییر شود. اینگونه نگرش و بینش با روحیه حادثه جویی که پیش نیاز توسعه است سازگاری ندارد. امروزه تقریباً قوم مداری فرهنگی امری جهان شمول است. جوامعی که خواهان توسعه‌اند
قوم مداری	وجود این احساس در حد افراطی آن می‌تواند سد بزرگی در برابر اصلاحات باشد. از طرفی قوم مداری یا قوم مرکزی، رفتاری اجتماعی و طرز تلقی عاطفی‌ای است که به رجحان بخشیدن و ارزش نهادن مفرط به آن گروه‌های اجتماعی محلی یا ملی که شخص به آن تعلق دارد، می‌انجامد.
غرور و افتخار	یکی از عوامل ناقص، نسبت فرهنگی است و با قوم مداری فرهنگی همبستگی دارد.

جدول ۳. ماتریس میانگین امتیازات خبرگان در ارزیابی عوامل مؤثر بر ریسک سواد فرهنگی روستاها

جمع	دانش، بینش، مهارت	درک فضایی	درک مکانی	درک بصری	غرور و افتخار	قوم مداری	باورهای جبر مسلکی	ارزش‌ها و هنجارها	زمینه فرهنگی	عامل‌ها
۱۱/۷	۲/۲	۲/۵	۲	۱٫۸	۱	۰/۵	۰/۴	۱/۳	۰	زمینه فرهنگی (f1)
۷/۳	۱/۷	۱/۹	۱/۵	۱/۲	۰/۳	۰/۲	۰/۱	۰	۰/۴	ارزش‌ها و هنجارها (f2)
۱۶/۶	۲/۸	۳	۲/۶	۲/۴	۱/۵	۰/۸	۰	۲/۲	۱/۲	باورهای جبر مسلکی (f3)
۱۴/۰۲	۲/۵	۲/۸	۲/۲	۲	۱/۱۲	۰	۰/۶	۱/۸	۱	قومیت مداری (f4)
۱۰/۴	۱/۹	۲	۱/۷	۱/۴	۰	۲	۰/۱	۱	۰/۳	غرور و افتخار (f5)
۵/۴۳	۱/۴	۱/۷	۱/۲۵	۰	۰/۴	۰/۱	۰/۰۸	۰/۳	۰/۲	درک بصری (f6)
۳/۲۴	۱	۱/۴	۰	۰/۰۷	۰/۲	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۳	۰/۱۲	درک مکانی (f7)
۱/۱۲	۰/۳	۰	۰/۲	۰/۱۷	۰/۱	۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۱۳	۰/۰۹	درک فضایی (f8)
۱/۲۹	۰	۰/۳	۰/۲۴	۰/۲	۰/۱۲	۰/۰۹	۰/۰۷	۰/۱۶	۰/۱	دانش، بینش، مهارت (f9)

شود. بعد از این مراحل می‌بایست نتیجه اثرات غیر مستقیم را با نرم افزار matrixproject معکوس کرد. پس از انجام مراحل یاد شده با ضرب ماتریس معکوس در ماتریس نرمال می‌توان به محاسبه کل عوامل رسید. به صورتی که در زیر آمده است:

پس از محاسبه میانگین نظرات خبرگان مطابق جدول ۳، ماتریس استاندارد عوامل مورد سنجش در ریسک سواد فرهنگی روستائیان محاسبه خواهد شد. سپس اثرات غیر مستقیم عوامل مورد سنجش در ریسک سواد فرهنگی روستائیان محاسبه می‌-

ماتریس کل عوامل مورد سنجش در ریسک سواد فرهنگی روستائیان

$$T = \begin{bmatrix} 0.014 & 0.102 & 0.029 & 0.046 & 0.076 & 0.139 & 0.166 & 0.219 & 0.191 \\ 0.029 & 0.013 & 0.009 & 0.019 & 0.027 & 0.085 & 0.112 & 0.150 & 0.133 \\ 0.090 & 0.168 & 0.01 & 0.072 & 0.115 & 0.194 & 0.227 & 0.286 & 0.259 \\ 0.075 & 0.138 & 0.043 & 0.02 & 0.089 & 0.161 & 0.192 & 0.255 & 0.224 \\ 0.034 & 0.088 & 0.014 & 0.129 & 0.02 & 0.118 & 0.150 & 0.191 & 0.175 \\ 0.016 & 0.027 & 0.006 & 0.012 & 0.029 & 0.011 & 0.089 & 0.126 & 0.104 \\ 0.009 & 0.023 & 0.005 & 0.008 & 0.016 & 0.012 & 0.009 & 0.097 & 0.071 \\ 0.007 & 0.011 & 0.004 & 0.006 & 0.008 & 0.014 & 0.017 & 0.008 & 0.025 \\ 0.008 & 0.012 & 0.005 & 0.007 & 0.009 & 0.017 & 0.020 & 0.027 & 0.008 \end{bmatrix}$$

جدول ۴: ماتریس تأثیرات عوامل مورد سنجش در ریسک سواد فرهنگی روستائیان

عوامل	زمینه فرهنگی (f ₁)	ارزش‌ها و هنجارها (f ₂)	باورهای جبر مسلکی (f ₃)	قوم مداری (f ₄)	غرور و افتخار (f ₅)	درک بصری (f ₆)	درک مکانی (f ₇)	درک فضایی (f ₈)	دانش، بینش، مهارت (f ₉)	R _i	C _j	(R _i + C _j)	(R _i - C _j)
زمینه فرهنگی (f ₁)	-/۰.۱۴	-/۰.۰۲	-/۰.۲۹	-/۰.۴۶	-/۰.۷۶	-/۰.۱۳۹	-/۰.۱۶۶	-/۰.۲۱۹	-/۰.۱۹۱	-/۰.۹۸۲	-/۰.۲۸۲	۱/۲۶۴	-/۰.۷
ارزش‌ها و هنجارها (f ₂)	-/۰.۲۹	-/۰.۱۳	-/۰.۰۹	-/۰.۱۹	-/۰.۲۷	-/۰.۰۸۵	-/۰.۱۱۲	-/۰.۱۵۰	-/۰.۱۳۳	-/۰.۵۷۷	-/۰.۵۸۲	۱/۱۵۹	-/۰.۰۵
باورهای جبر مسلکی (f ₃)	-/۰.۰۹	-/۰.۱۶۸	-/۰.۰۱	-/۰.۰۷۲	-/۰.۱۱۵	-/۰.۱۹۴	-/۰.۲۲۷	-/۰.۲۸۶	-/۰.۲۵۹	۱/۴۲۱	-/۰.۱۲۵	۱/۵۴۶	۱/۲۹۶
قوم مداری (f ₄)	-/۰.۷۵	-/۰.۱۳۸	-/۰.۴۳	-/۰.۰۲	-/۰.۰۸۹	-/۰.۱۶۱	-/۰.۱۹۲	-/۰.۲۵۵	-/۰.۲۲۴	۱/۱۶۷	-/۰.۳۱۹	۱/۴۸۶	-/۰.۸۴۸
غرور و افتخار (f ₅)	-/۰.۳۴	-/۰.۰۸۸	-/۰.۰۱۴	-/۰.۱۲۹	-/۰.۰۲	-/۰.۱۱۸	-/۰.۱۵۰	-/۰.۱۹۱	-/۰.۱۷۵	-/۰.۹۱۹	-/۰.۳۸۹	۱/۳۰۸	-/۰.۵۳
درک بصری (f ₆)	-/۰.۱۶	-/۰.۲۷	-/۰.۰۰۶	-/۰.۰۱۲	-/۰.۰۲۹	-/۰.۰۱۱	-/۰.۰۸۹	-/۰.۱۲۶	-/۰.۱۰۴	-/۰.۴۲	-/۰.۷۵۱	۱/۱۷۱	-/۰.۳۳۱
درک مکانی (f ₇)	-/۰.۰۹	-/۰.۲۳	-/۰.۰۰۵	-/۰.۰۰۸	-/۰.۰۱۶	-/۰.۰۱۲	-/۰.۰۰۹	-/۰.۰۹۷	-/۰.۰۷۱	-/۰.۲۵	-/۰.۹۸۲	۱/۲۳۲	-/۰.۷۳۲
درک فضایی (f ₈)	-/۰.۰۷	-/۰.۱۱	-/۰.۰۰۴	-/۰.۰۰۶	-/۰.۰۰۸	-/۰.۰۱۴	-/۰.۰۱۷	-/۰.۰۰۸	-/۰.۰۲۵	-/۰.۱	۱/۳۲۹	۱/۴۲۹	-/۰.۲۲۹
دانش، بینش، مهارت (f ₉)	-/۰.۰۸	-/۰.۱۲	-/۰.۰۰۵	-/۰.۰۰۷	-/۰.۰۰۹	-/۰.۰۱۷	-/۰.۰۲۰	-/۰.۰۲۷	-/۰.۰۰۸	-/۰.۱۱۳	۱/۱۹	۱/۳۰۳	-/۰.۷۷

فرهنگی روستائیان شناسایی شدند. براین اساس عوامل باورهای جبر مسلکی و قوم مداری بعنوان عوامل علت و عوامل غرور و افتخار، ارزش‌ها و هنجارها و زمینه فرهنگی تحت نام عوامل معلول شناسایی و مشخص گردیدند. در مرحله‌ای بعدی جهت بررسی جریان الگوی رابطه‌ای بین عوامل به محاسبه آلفای آن‌ها پرداخته شده.

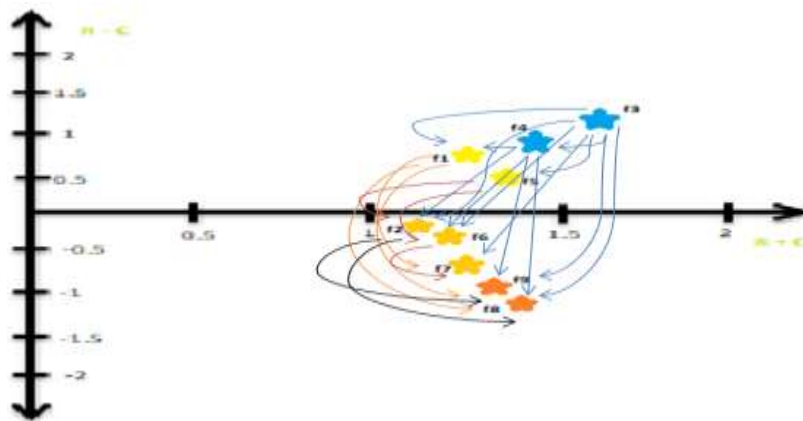
محاسبه میزان آلفا (α)، به صورتی که در زیر آمده:

با توجه به جدول ۳ می‌توان این استنباط را داشت که در بین عوامل مؤثر بر ریسک سواد فرهنگی جامعه روستایی هدف عوامل باورهای جبر مسلکی (f₃) و قوم مداری (f₄) به ترتیب با ضریب وزنی ۱/۲۹۶ و ۰/۸۴۸ به عنوان عوامل اثرگذار، از سویی عوامل درک فضایی (f₈) و دانش، بینش و مهارت به ترتیب با ضریب وزنی ۱/۲۲۹ و ۱/۰۷۷- به عنوان اثرپذیرترین معیارها در بین شاخص‌های مؤثر بر ریسک سواد

همانطور که در نمودار بالا مشاهده می‌شود عوامل f_4 ، f_3 به ترتیب به عنوان عوامل تأثیرگذار یا علت مشخص شده، از سویی به دلیل آنکه وزن آنها به آلفای کل محاسبه شده نزدیک می‌باشد، تأثیرگذاری آنها در سطح بالایی می‌باشد. همچنین شاخص‌های f_5 ، f_2 و f_1 نیز به سبب منفی بودن وزن آنها بعنوان عوامل معلول شناخته شدند.

$$\alpha = \frac{5.95}{81} = 0.07 \quad (۶)$$

آلفای ۰/۰۷ نشان از آن است که باورهای جبر مسلکی (f_3) نسبت به دیگر عوامل برتری دارد. زیرا بیشتر اعداد تشکیل دهنده آن در ماتریس ۴ بزرگتر از عدد به دست آمده، می‌باشد. بنابراین در ادامه نمودار رابطه علت و معلولی را به شکل ذیل می‌توان ترسیم نمود:



نمودار ۱: گراف عوامل اثرگذار و اثرپذیر بر ریسک سواد فرهنگی روستاهای استان لرستان

جدول ۵: ماتریس الگوی رابطه بین عوامل مورد سنجش در ریسک سواد فرهنگی روستاها

عوامل	زمینه فرهنگی (f_1)	ارزش‌ها و هنجارها (f_2)	باورهای جبر مسلکی (f_3)	قوم مداری (f_4)	غرور و افتخار (f_5)	درک بصری (f_6)	درک مکانی (f_7)	درک فضایی (f_8)	دانش، بینش، مهارت (f_9)
زمینه فرهنگی (f_1)	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱
ارزش‌ها و هنجارها (f_2)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱
باورهای جبر مسلکی (f_3)	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱
قوم مداری (f_4)	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱
غرور و افتخار (f_5)	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱
درک بصری (f_6)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱
درک مکانی (f_7)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱
درک فضایی (f_8)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
دانش، بینش، مهارت (f_9)	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰

را با مقدار ۱ نشان داده، در غیر این صورت هر عددی که کوچکتر از این مقدار باشد، مقدار ۰ گرفته، که نشان از عدم وجود رابطه است. بر این اساس، با توجه به جدول ۵: عوامل

برای تعیین روابط بین عوامل از طریق آلفای محاسبه شده که برابر است با ۰/۰۷ اقدام گردید. بنابراین با توجه به اعداد به دست آمده از جدول ۴، هر عددی که از این آستانه بزرگتر باشد

باورهای جبر مسلکی و بعضاً قوم مداری، بیشترین رابطه یا تأثیر را در بین عوامل مورد سنجش در ریسک سواد فرهنگی روستائیان دارند. نتایج دیگر عوامل در ماتریس فوق قابل مشاهده است.

نتیجه گیری

اگر ما جامعه‌ای با سواد فرهنگی داشتیم، آمارهای نابودی جنگل‌ها، خشک‌باری دشت‌ها، آلودگی‌های زیست‌محیطی، ویرانی میراث فرهنگی و آسیب‌های اجتماعی مان چنین نبود که امروز است. تا حدی که این جریانات منفی در بین جوامع روستایی نیز به اوج خود رسیده. به نحوی که جامعه روستایی لرستان نیز از این مقوله مستثنا نبوده. این امر در حالی است که جامعه مورد هدف دارای پیشینه فرهنگی بسیار قوی می‌باشد. لیکن حاکمیت شیوه‌های سکونتی، معیشتی و فرهنگی خاص به این جامعه اجازه نداده که به سطح مناسبی از توسعه فرهنگی و شکل‌گیری سرمایه معنوی برسد. به صورتی که نتایج پژوهش حاضر نشان داد باورهای جبر مسلکی و قوم‌مداری بر سواد فرهنگی روستائیان استان غلبه دارد. بر این اساس، اعتقاد به قضا و قدر در قالب باورهای جبر مسلکی می‌تواند مانع از ریسک شود. از طرفی، قوم مداری یا قوم مرکزی، رفتاری اجتماعی و طرز تلقی عاطفی‌ای است که به رجحان بخشیدن و ارزش نهادن مفرط به آن گروه‌های اجتماعی محلی یا ملی که شخص به آن تعلق دارد، می‌انجامد. از این رو استمرار این عوامل باعث پائین ماندن سواد فرهنگی روستائیان بوده، و مانع از ایجاد ارتباط بین فردی و شناخت از فرهنگ‌های دیگری است. از سویی موجب عدم درک فرصت‌ها شده، و عدم بهره‌مندی از آنها در زمان و موقعیت خودش، فرصت را به یک مسئله یا تهدید فرهنگی تبدیل کند. به دنبال این روند، ریسک سواد فرهنگی که شناخت خود فرد و مشارکت در جامعه از لحاظ ابعاد فرهنگی را در بر دارد، حاصل نخواهد شد. نهایتاً شاهد توسعه سرمایه معنوی در

چشم‌انداز روستایی که ضمن در نظرگیری منافع خود، باید منافع دیگران را نیز در نظر بگیرد، را نخواهیم داشت. بنابراین به نقش فرد اهمیت نداده و مشارکت افراد در آن وجود ندارد، رابطه میان افراد شکل نگرفته، و هر نوع گفت‌وگوی همدلانه، انتقادی و هدایت‌گرانه ایجاد نمی‌شود. در حالی که شناخت از فرهنگ دیگری روابط فرد را با جهان دیگر یا فرهنگ دیگر سازمان می‌دهد و به او مدارا با فرهنگ‌های دیگری را می‌آموزد. از سویی افراد را توانمند می‌سازد تا توانایی شناخت هنجارها، ارزش‌ها، آداب و رسوم در فرهنگ‌های مختلف را کسب کنند و در شرایط و موقعیت‌های فرهنگی، رفتار مناسبی از خود بروز دهند. در ادامه این فرایند، شکل‌گیری سرمایه معنوی، می‌تواند باعث بهم پیوستگی و اتحاد افراد در یک شبکه گسترده برد-برد منافع گروهی افراد را تأمین نماید و در عین حال به آنها کمک کند به تعالی و توسعه پایدار دست یابد. از جهتی باعث خودآگاهی، تغییر چارچوب ذهنی، خودانگیختگی، کل‌نگری، فروتنی، دگرخواهی، اعتماد (اجتماعی، شخصی و نهادی) به هنجارهای مشارکت، همکاری (کنش‌های یاری‌گرانه) و تعامل اجتماعی (شبکه روابط) خواهد شد. در سوی دیگر، نتایج نشان داده عوامل درک فضایی و دانش، بینش و مهارت از جمله عواملی هستند که بیشترین تأثیر را در این بین پذیرا بوده‌اند. بدین معنی که سواد فرهنگی نامناسب موجب عدم درک این مسئله خواهد شد که پیامد عملکردهای متعامل دو محیط طبیعی _ اکولوژیک و اجتماعی _ اقتصادی می‌تواند نوع تولید اجتماعی در مکان را به وجود آورد. این روند تحت تأثیر عوامل محیطی مانند سن، جنسیت، و پایگاه اجتماعی بوده، که بر ساخته سطح و میزان سواد فرهنگی افراد جامعه است. این شرایط سلطه جریانات باورهای جبر مسلکی و قوم‌مداری را به صورت برجسته‌ای نشان می‌دهد. لذا می‌توان نتیجه این تحقیق را با نتایج ارائه شده در پیشینه مطالعات مرتبط با موضوع مطروحه مانند: بی‌توجهی به خود و خانواده، بدبینی و ناامیدی، تقدیرگرایی، موروثی بودن فقر، انزوای

روستائیان؛ تقویت شبکه اجتماعی در نواحی روستایی؛ تطبیق برنامه‌ریزی فرهنگی با شرایط اجتماعی و جغرافیایی روستائیان؛ تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های فرهنگی و عمرانی برای انسجام بخشی و جلب مشارکت عمومی در توسعه فرهنگی و عمرانی روستاها؛ برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، هنری و ورزشی در روستاها متناسب با ارزش‌های فرهنگی و بومی برای بالابردن سطح آگاهی و فرهنگی روستائیان؛ مد نظر قرار دادن نابرابری و اختلاف شاخص‌های توسعه فرهنگی در بین روستائیان؛ ارتباط نوگرایی و تغییرات فرهنگی در سطح جوامع روستایی؛ افزایش آموزش سواد فرهنگی روستائیان در آموزشگاه‌ها؛ انطباق توانمندسازی اجتماعی-اقتصادی روستائیان با شرایط کار و استانداردهای زندگی؛ توجه هرچه بیشتر دولت به مقوله فرهنگ در روستاها؛ تکمیل و ساخت مجتمع‌های فرهنگی و هنری در روستاها؛ سوق دادن برنامه‌های فرهنگی به سمت مناطق روستایی؛ فراهم کردن زیرساخت‌های فرهنگی در مناطق محروم، و تقویت داشته‌های فرهنگی جوامع روستایی.

شدید اجتماعی، انزوای فضایی و مکانی، وضعیت اقتصادی بسیار بد و نداشتن مشارکت اجتماعی (همزه‌ای و همکاران، ۱۳۹۱)، رابطه معنادار و مثبت گرایش به تعلقات قومی-طایفه‌ای با فرهنگ شهروندی (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۸)، همسو دانست. لذا، برای آنکه بتوان در زمینه ریسک سواد فرهنگی شرایط مناسبی جهت افزایش سرمایه معنوی در چشم‌انداز روستایی ایجاد کرد، باید ضعف‌ها و مقوله‌های منفی مؤثر بر سواد فرهنگی روستاها را در چارچوب پیشنهادات ذیل از بین برد:

پیشنهادات

برخورد ریشه‌ای با افکار و احساسات غیر منطقی روستائیان و تلاش در جهت حذف آنها؛ تابعیت باورهای روستائیان از چارچوب‌ها و دلایل عقلی و منطقی؛ حذف باورهای ناسازگار و پایدار شده در روستاها؛ تجهیز ذهنیت روستائیان به باورهای منطقی و مثبت؛ تمرکز برافزایش سطح دانش افراد بی‌سواد روستایی؛ تقویت ابعاد کل‌نگری، دگرخواهی، مشارکت و همکاری در بین روستائیان؛ آموزش سواد رسانه‌ای در بین

منابع

امیری، م.، نرگسیان، ع.، فرهی، ع. و غلامی، ب. ۱۴۰۰. ارائه مدل سرمایه معنوی در سازمان‌های مردم‌نهاد شهر تهران. نشریه علمی پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱۳(۱): ۱۲۹-۱۰۱.

بدخشانی، ف.، و پیری، ش. ۱۳۹۰. مفهوم سرمایه معنوی و جایگاه آن در سازمان‌ها.

بنی‌سی، پ.، و فرهودی، ه. ۱۳۹۷. بررسی تأثیر سرمایه معنوی و سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۹(۴): ۱۲۰-۱۰۵.

ازکیا، م. ۱۳۸۱. جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. چاپ ششم، نشر اطلاعات، تهران.

امینی‌فسخودی، ع. ۱۳۸۹. تحلیلی بر وضعیت رفتارهای فرهنگی در نواحی روستایی کشور. فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ۱(۳): ۸۲-۵۳.

آزادارمکی، ت.، ترکرانی، م. و حق‌ندری، ا. ۱۳۹۳. تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه با تأکید بر ضرر بالمثل‌های لری. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱: ۳۴-۹.

احمدی، ع.ا.، و صالحی، ع. ۱۳۹۰. مدیریت دانش. چاپ اول، انتشارات پیام نور.

- بهرامی، و.، نیازی، م.، موسوی، س.م. و سهرابزاده، م. ۱۳۹۸. تحلیلی بر فرهنگ شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. مورد مطالعه: استان لرستان. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۳(۱): ۵۹-۳۱.
- بیک محمدی، ح.، کریمی، ف.، قطب‌آبادی، و شکوهی، ش. ۱۳۹۶. تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی، مورد مطالعه: شهرستانهای استان فارس، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی _ سکونتگاه‌های انسانی، ۱۲(۱): ۶۸-۵۳.
- پورفرج، ع.، کشاورز، ه. و انصاری‌سامانی، ح. ۱۳۹۱. فرهنگ، قلب اقتصاد دانش‌بنیان در رشد و توسعه اقتصادی. نشریه مهندسی فرهنگ، ۶(۶۳-۶۴)، ۲۸-۱۳.
- ترکارانی، م. ۱۳۹۳. مواجهه نظام ایلی با توسعه در لرستان، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- جعفری، م. و رییس‌میرزایی، ن. ۱۳۹۳. تأثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنگان، ۲۳-۲۴ مهرماه، اصفهان.
- حبیبی، م. ۱۳۷۹. خصایص مدیران فرهنگی، انتشارات تبیان، تهران.
- حبیبی، ی.، عیوضی، ی. و معظمی‌گودرزی، ا. ۱۳۹۶. مسئله فرهنگی و مسئله‌شناسی فرهنگی ایران (در دیدگاه نخبگان دانشگاهی و حوزوی داخلی)، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۷(۴): ۵۵۰-۵۲۵.
- حیدری‌ساربان، و. و حاجوی، و. ۱۳۹۸. نقش سنت‌های فرهنگی در معیشت پایدار روستایی. مورد مطالعه: شهرستان اردبیل، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۲(۴): ۱۶۹-۱۳۷.
- خاکپور، م.، و شیخ‌مهدی، ع. ۱۳۹۰. بررسی فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان. فصلنامه مدیریت شهری، ۲۷: ۲۴۶-۲۲۹.
- رحمانی، جعفر، باقری‌نصرآبادی، و حسنی، م. ۱۳۹۶. بایسته-های سواد فرهنگی مدیران.
- رضوانی، م.ر. و احمدی، ع. ۱۳۸۸. مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی. فصلنامه پژوهش فرهنگی، ۱۰(۳): ۶۸-۴۵.
- رکن‌الدین‌افتخاری، ع.ر. ۱۳۹۹. تبیین اندیشه‌ها، نظریه‌ها و رویکردهای توسعه روستایی. جزوه کلاسی دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- سازمان نقشه‌برداری کشور، <https://www.ncc.gov.ir> ۱۴۰۰.
- سعیدی، ع. ۱۳۹۴. مبنای جغرافیای روستایی. چاپ پانزدهم، انتشارات سمت، تهران.
- شفیع‌زاده، ح.، سادات‌محسنی، ه. و جمشیدی، ل. ۱۳۹۰. بسترسازی فرهنگی توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. نشریه مهندسی فرهنگی، ۶(۵۸)-۵۷: ۹۸-۸۶.
- شکوئی، ح. ۱۳۸۵. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا. جلد اول، چاپ هشتم، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- عناستانی، ع.، خسروبیگی، ر.، تقیلو، ع. و اکبری، م.ح. ۱۳۹۱. تحلیل عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در نواحی روستایی. مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان جهرم، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۵(۱): ۱۰۸-۸۵.
- غفاری، غ. و بخشی‌زاده، ح. ۱۳۹۸. نقش ICT روستایی و توسعه فرهنگی در توسعه قابلیت‌های روستاهای دهستان سردابه شهر اردبیل. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۱(۱): ۱۹-۱.
- فاضل‌نیا، غ.، توکلی، م. و تاجبخش، ک. ۱۳۸۹. ارزیابی برنامه-های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳(۳): ۱۷۷-۱۴۹.

- تحول فرهنگی در ایران. نقوی، مر، پایدار، ا. و محمودی، س. ۱۳۹۱. نقش مدرنیته (نوگرایی) در تغییرات فرهنگی مناطق روستایی با استفاده از مدل تشابه به حل ایده آل (TOPSIS). مورد: دهستان شهرستان شهرداد، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۱۷(۱): ۱۰۵-۱۲۷.
- نقوی، مر، دیوسالار، ا. و ریاحی، و. ۱۳۹۷. سنجش کیفیت زندگی در شهرهای ساحلی با استفاده از مدل DEMATEL در شهر ساحلی نور. فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۵۲: ۲۲۶-۲۱۱.
- نقوی، مر، پایدار، ا. و قاسمی، ی. ۱۳۹۱. بررسی و تحلیل نقش فرهنگ در توسعه مناطق روستایی با رویکردهای توسعه پایدار. نشریه مهندسی فرهنگ، ۶(۶۸-۶۷): ۱۰۷-۹۳.
- نویزادهم، م، حاجیانی، ا، بنیانیان، ح، بای، ی، م، نوروزی، ا، انصاری، ف، عینی‌زاده، م، رضانی، ف، اعتصامی، م. م. و دلبری، س. م. ۱۳۹۷. تحلیل فرهنگی (کتاب درسی مطالعات فرهنگی) پایه یازدهم و دوازدهم دوره دوم متوسطه. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، چاپ دوم، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران.
- همزه‌ای، مر، شاه‌حسینی، ا، برزو، غ. و موسوی‌مطلوب، س. ۱۳۹۱. شناخت فرهنگ فقر در روستایان شهرستان هرسین، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۲(۴۵): ۲۴۰-۲۱۱.
- Barnett, B.J., and SKEES, J.R., 2007. Poverty Traps and Index-Based Risk Transfer Products. World Development, 36(10), 1766-1785, doi:10.1016/j.worlddev.2007. 10.016.
- Bate, S.C., 2009. Understanding Human Society. Nairobi: Pauline Publications Africa.
- Brennan, M. A., 2005. The importance of incorporating local culture into community Development, EDIS, Gainesville, Florida cooperative extension service, Institute of food and agriculture sciences, Univ. of Florida, Pub.
- فرم‌بینی‌فراهانی، م. ۱۳۹۷. نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی، فصلنامه بین‌رشته‌ای تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی در چارچوب رسالت‌های کنگره بین-المللی علوم انسانی اسلامی، ۲(۲): ۳۳-۱۳.
- فیاض، ا، سرفراز، ح. و احمدی، ع. ۱۳۹۰. نشانه‌شناسی چشم-اندازهای فرهنگی در جغرافیای فرهنگی؛ راهبردی مفهومی برای فهم و کشف معنا. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴(۴): ۹۱-۱۱۶.
- گودرزی، غ. و شیخ‌زاده، م. ۱۳۸۸. تحلیل وضعیت موجود ساماندهی نهادهای فرهنگی کشور با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی، فصلنامه پژوهش فرهنگی، ۱۰(۳): ۱۱۹-۱۳۹.
- گیدنز، آ. (ترجمه). ۱۳۷۶. جامعه‌شناسی. منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- لطفی، ح. ۱۳۹۷. نوسازی فرهنگی روستا و شکست سیاست‌های کارآفرینی روستایی در استان ایلام. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷(۳): ۱۲۲-۱۰۱.
- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵.
- منطق، م. ۱۳۹۴. مهارت‌های مدیران فرهنگی از منظر قرآن. فصلنامه معرفت فرهنگ اجتماعی، ۶(۴): ۱۳۲-۱۰۹.
- موحدی، م. ۱۳۸۵. فرهنگ ایرانی و توسعه. برگرفته از سایت ایران کالچر.
- میرزمانی، ا. ۱۳۹۳. واکاوای مفهوم مهندسی فرهنگی در تاریخ. نشریه مهندسی فرهنگی، ۸(۸۰): ۲۶-۱۰.
- میرمحمدی، م. و علائی، س. ۱۳۹۲. بررسی نقش و اهمیت هوش فرهنگی در مدیریت فرهنگی. نشریه مهندسی فرهنگ، ۸(۸۸): ۱۶۹-۱۹۹.
- ناظمی‌اردکانی، م. و کشاورز، س. ۱۳۸۵. مبانی نظری مدیریت

- Kostov, P., and Lingard, J., 2003. Risk management: a general framework for rural development. *Journal of Rural Studies*, 19(4): 463-476.
- Martinez, R.J., Rogers, R. Yancey, G and Singletary, J., 2011. Spiritual capital in modern organizations. *Journal of Biblical Integration in Business*, Vol 13 No 1.
- Mirzoeff, N., 1999. *An Introduction to Visual Culture*. London: Routledge.
- Mitchell, W.J.T., 2002. Showing seeing: a critique of visual culture. *Journal Of Visual Culture*, 1(2): 165-181.
- Neubert, M.J., Bradley, S.W., Ardianti, R and Simiyu, E.M., 2017. The Role of Spiritual Capital in Innovation and Performance: Evidence from Developing Economies. *ENTREPRENEURSHIP THEORY and PRACTICE*, DOI: 10.1111/etap.12172.
- Ngazile Ngema, L and Lange, M.E. (2020). Pathways Indra Congress: Cultural Literacy for Social Change. *Critical Arts*, 34:5, 153-168, DOI: 10.1080/02560046.2020.1839238
- Palmer, D.A and Wong, M., 2013. Clarifying the Concept of Spiritual Capital. Prepared for the Conference on the Social Scientific Study of Religion The Chinese University of Hong Kong, 10-13.
- Rao, V., and Sanyal, P., 2009. Dignity through Discourse: Poverty and the Culture of Deliberation in Indian Village Democracies. Forthcoming in the *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 1-46.
- Tohani, E., Sujarwo., Yanti Fauziah, P., and Suharta, R.B., 2019. Needs of Cultural Literacy Education of the Arts and Culture Practitioners in Rural Community, *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 511: 77-81.
- Tohani, E., & Shofwan, I., 2022. Cultural Literacy Of Traditional Performers In Javanese Community, *Webology*, Vol. 19, No 2, Num.: FCS9232. (<http://edis.ifas.ufl.rdu>).
- Daskon, C., and Binns, T., 2009. Culture, tradition and sustainable rural livelihoods: exploring the culture–development interface in Kandy, Sri Lanka. *Community Development Journal*, 45(4): 494–517.
- Dauppe, M. A., 2011. Critical frameworks for graphic design: graphic design and visual culture. *Design Principles and Practices: an International Journal*, 5 (5): 489-498.
- Detcharat, S., and Pongpun, A., 2013. Using Dematel Method to Analyze the Causal Relations on Technological Innovation Capability Evaluation Factors in Thai Technology- Based Firms. *International Transaction Journal of Engineering, Management, Applied Sciences Technologies*.
- Dickman, A.J., 2010. Complexities of conflict: the importance of considering social factors for effectively resolving human–wildlife conflict. *Animal Conservation*, 13: 458–466.
- Didraga, O., 2013. The Role and the Effects of Risk Management in IT Projects Success. *Informatica Economică*, 17, 1/2013, DOI: 10.12948/issn14531305/17.1.2013.08.
- Han, S.B., 1991. the role of Endogenous culture in socio-economic Development of Korea, in Yogesh Ataled. *culture-development inference*, New Delhi: Vikas publishing hause.
- Irvine, M., 2011. The Work on the Street: Street Art and Visual Culture. Chapter in *The Handbook of Visual Culture*, ed. Barry Sandy well and Ian Heywood. London and NewYork: Berg.
- K. Uskul, A., and Over, H., 2014. Responses to Social Exclusion in Cultural Context: Evidence From Farming and Herding Communities, 106(5): 752–771.
- Kaushik, S., and Somvir, D.r., 2015. DEMATEL: A Methodology for Research in Library and Information Science. *International Journal of Librarianship and Administration*, 6(2): 179-185.

Wortham, R.A and Wortham, C.B., 2007. SPIRITUAL CAPITAL AND THE GOOD LIFE. *Sociological Spectrum: Mid-South Sociological Association*, 27:4, 439-452, DOI: 10.1080/02732170701335053.

<https://www.researchgate.net/publication/358659984>

Vasconcelos, A.F., 2021. Individual spiritual capital: meaning, a conceptual framework and implications. *Journal of Work-Applied Management*, Vol. 13 No. 1, 117-141.

Cultural literacy risk analysis in the field of spiritual capital of rural landscape (case study: villagers of Lorestan province)

Morteza Tavakoli¹ and Ali Khodadadi^{2*}

Submitted: 17 August 2021

Accepted: 16 January 2022

Abstract

Recently, special attention has been paid to the role of culture in the sustainable development of society. Individuals and societies have their own values, meanings, customs and knowledge systems. However, such features are often overlooked in development planning. The purpose of this study is to analyze the risk of cultural literacy in rural areas in the spiritual capital of rural landscape of Lorestan province. The research method of this article is in the framework of library and documentary studies, and Dimatel cause and effect tool was used to analyze the information. On the cultural literacy of the villages, the factors of professional and ethnocentric algebra beliefs with a weight coefficient of 1.296 and 0.848, respectively, as influential factors, and on the other hand, the factors of spatial perception and knowledge, insight and skill with a weight coefficient of respectively. -1.299 and -1.077 have been considered as the most effective criteria among the effective indicators on cultural literacy risk among villages. Based on this, the factors of professional and ethnocentric beliefs are identified and identified as causes and factors of spatial perception and knowledge, insight and skill, spatial perception and values and norms under the name of factors in the field of spiritual capital. Became.

Keywords: Cultural literacy, spiritual capital, rural landscape, Lorestan

1- Associate Professor of Geography and Rural Planning, Tarbiyat Modares University, Tehran, iran

2- PhD student in Geography and Rural Planning, Tarbiyat Modares University, Tehran, iran

(*- Corresponding author Email: Ali-khodadadi@modares.ac.ir)

10.22048/rdsj.2022.300291.1971